

واکاوی ثمرات مدرکیت سیره عقلا نسبت به سیره متشرعه در حجیت خبر ثقه از دیدگاه آیت الله شهیدی

علی عبادی فراز^۱

چکیده

از مهم‌ترین و پرثمره‌ترین مباحث اصولی، اعتبار و حجیت خبر ثقه است. تعیین مستند حجیت خبر ثقه از دیرباز مورد بحث و بررسی اصولیان قرار گرفته است. برخی به آیات قرآنی، برخی به روایات و برخی به سیره عقلا یا سیره متشرعه جهت اثبات این مهم تمسک کرده‌اند. تمسک به هر کدام از ادله، نتایج و ثمرات مشخصی دارد که دارای اهمیت در استنباط احکام فقهی و غیر آن می‌باشند؛ نوشته حاضر به منظور تبیین و بررسی ثمرات مدرکیت سیره عقلا نسبت به سیره متشرعه در کلمات آیت‌الله شهیدی نگاشته شده است؛ عمده مطالب در تبیین ثمرات و بررسی آن، مرتبط با کشف صغروی سیره متشرعه و سیره عقلا می‌باشد؛ ایشان چهار ثمره مطرح می‌کنند که عبارتند از: تفصیل در حجیت خبر ثقه در موضوعات و احکام؛ تفصیل در حجیت خبر ثقه شیعه و غیر شیعه؛ تفصیل در جواز و عدم جواز تخصیص عام کتابی به خبر ثقه و تفصیل بین اعتبار خبر ثقه در امور مهمه و غیر آن. نگارنده در این نوشته بعد از تبیین و بررسی ثمرات چهارگانه، ثمره اول و ثمره سوم را مطابق با نظر استاد شهیدی، می‌پذیرد اما دو در دو ثمره دیگر با نظر استاد شهیدی مخالف می‌کند.

واژگان کلیدی: خبر ثقه، سیره عقلا، سیره متشرعه، حجیت خبر ثقه، ارتکاز متشرعه.

۱. دانش‌آموخته سطح ۴ حوزه علمیه قم. aliebadifaraz@gmail.com

مقدمه

یکی از مهم‌ترین و پرثمره‌ترین مباحث در علم اصول، بحث و بررسی در مورد حجیت و اعتبار خبر ثقه می‌باشد که از دیرباز در کتب اصولی مورد بحث و بررسی تفصیلی واقع شده است. از قرون سه و چهار قمری تا به حال این مساله با موافقان و مخالفانی در اصل اعتبار و میزان اعتبار مواجهه بوده است. برخی جهت اثبات اعتبار خبر ثقه به آیات قرآنی، برخی به روایات و برخی به سیره عقلا یا سیره متشرعه تمسک کرده‌اند. در عصر حاضر، عمده ادله، روایات یا سیره اعم از سیره عقلائی یا متشرعی است. نگارنده در این نوشته با توجه به اینکه ثمرات و نتایج تمسک به دو سیره عقلا و متشرعه، مورد بحث و بررسی تفصیلی واقع نمی‌شود؛ به تبیین و بررسی این ثمرات با نگاهی تطبیقی بین مدرکیت سیره عقلا و سیره متشرعه می‌پردازد. متأسفانه علی‌رغم اهمیت و ثمرات مبنایی مهم در این نگاه تطبیقی، مطابق با فحوص نگارنده، در کتب اصولی مشهور، بحث و بررسی در این باره صورت نگرفته است و صرفاً به اصل مدرکیت سیره عقلا یا سیره متشرعه پرداخته شده است. به عنوان نمونه می‌توان برخی از کتب اصولیان همانند «فرائد الاصول»، «نهاية الافکار»، «فوائد الاصول»، «بحوث فی علم الاصول» و «انوار الهدایة» را نام برد. اولین بار استاد شهیدی در کتاب «ابحاث اصولیة» ثمرات این بحث، در کلمات ایشان مطرح و مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. نگارنده با توجه به اهمیت بحث مذکور، به تبیین و بررسی ثمرات و نتایج مزبور، از دیدگاه استاد شهیدی می‌پردازد. در کتاب «ابحاث اصولیة» می‌توان به چهار ثمره دست یافت، که عبارتند از:

۱. تفصیل بین سیره عقلا و سیره متشرعه در عمل به خبر ثقه در موضوعات و احکام
 ۲. تفصیل بین سیره عقلا و سیره متشرعه در عمل به روایات راویان شیعه و غیر شیعه
 ۳. تفصیل بین سیره متشرعه و سیره عقلا در تخصیص کتاب
 ۴. تفصیل بین سیره متشرعه و سیره عقلا در امور مهمه و غیر آن
- نگارنده بعد از تبیین ثمرات، با ثمره اول و سوم مطابق با نظر استاد شهیدی موافقت می‌کند اما در دو ثمره دیگر کلمات ایشان را مورد نقد و بررسی قرار می‌دهد.

تبیین واژگان

به رفتار و سلوک خارجی عقلا بر فعل یا ترک چیزی که ناشی از عادت یا سلیقه آنهاست، سیره عقلا می‌گویند. و تفاوت آن با ارتکاز عقلا در اینست که ارتکاز در اذهان عقلاست و به مرحله سلوک خارجی و رفتار نرسیده است. (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۷، ص ۸ و ۹) در صورتی که اصحاب امامیه یا مسلمین ملتزم به عمل و رفتاری باشند که ناشی از تشریح و تدین آنهاست به آن، سیره متشرعه به معنای اخص گویند و در صورتی که منشا تدین و تشریح در آن معتبر نباشد بلکه اعم از تشریح و تدین و طبع عقلانی باشد، سیره متشرعه به معنای اعم است. (همان)

ثمرات تمسک به سیره عقلا نسبت به سیره متشرعه در حجیت خبر ثقه

در کتاب «ابحاث اصولیه» چهار ثمره با عنوان نتایج تمسک به سیره عقلا نسبت به سیره متشرعه مطرح شده است. در ابتدا چهار ثمره بیان می‌شود و بعد از تبیین و توضیح آن، به نقد و بررسی در مورد نتایج مذکور پرداخته می‌شود:

ثمره اول: تفصیل بین سیره عقلا و سره متشرعه در عمل به خبر ثقه در موضوعات و احکام

استاد شهیدی در تفصیل بین خبر ثقه در موضوعات و احکام می‌نویسند: «سیره متشرعه در موضوعات محرز نیست برخلاف سیره عقلا که در آن خبر واحد نیز حجت است. چراکه عقلا در عمل به خبر ثقه تفاوتی بین موضوع و حکم نمی‌گذارند؛ اما در سیره متشرعه، سیره در موضوعات محقق نشده است.» (شهیدی پور، ۱۳۸۵، ج ۶، ص ۳۶۷) از جمله کسانی که مستند خبر ثقه را سیره عقلا می‌دانند لذا خبر ثقه در موضوعات را معتبر می‌دانند می‌توان به محقق خوئی (خوئی، ۱۳۷۵، ج ۲۳، ص ۱۹۶) محقق تبریزی (تبریزی، ۱۴۳۱، ج ۲، ص ۲۷۷) و شهید صدر (صدر، ۱۴۳۴، ج ۲ ف ص ۸۶) اشاره کرد. به نظر می‌رسد ذیل کلام ایشان تذکر چند نکته به جهت اثبات مدعا ضروری است:

نکته اول: نکته عمل در سیره عقلا و اهمیت آن

نکته عمل عقلا به مطلق خبر ثقه، اهمیت و محوریت صدور خبر است. به همین جهت تفاوتی در سیره عقلائیه بین خبر در موضوعات و خبر در احکام نیست.

نکته دوم: امضا یا عدم امضا نکته سیره متشرعه

ممکن است اشکال شود آنچه که در سیره دارای اهمیت است آن نکته و ارتکازی است که پشتوانه سیره و سلوک خارجی است. به همین جهت عدم تحقق سلوک خارجی، دلالتی بر عدم وجود سیره ندارد و با توجه به اینکه ارتکاز و نکته سیره در ما نحن فیه و محل نزاع وجود دارد؛ عدم تحقق خارجی سیره متشرعه مضر نیست.

به نظر می‌رسد این اشکال صحیح نیست؛ چراکه اولاً کشف ارتکاز متشرعه، در عمل به مطلق خبر ثقه در موضوعات و احکام ثابت نیست. ثانياً در صورت احراز ارتکاز متشرعه در عمل به مطلق خبر ثقه، به نظر می‌رسد این ارتکاز اعتباری ندارد؛ توضیح عدم اعتبار ارتکاز متشرعه در صورت احراز، بدین شرح است:

اثبات اعتبار ارتکاز متشرعه از دو راه ممکن است:

الف) ارتکاز متشرعه، کشف اینی از حکم شرعی می‌کند؛ نظیر علت و معلول. ارتکاز متشرعه، معلول حکم شرعی است و در صورت اثبات ارتکاز متشرعی، به برهان اینی حکم شرعی اثبات می‌شود. به نظر می‌رسد این مبنا صحیح نیست؛ چراکه صرف اثبات ارتکاز متشرعه، کاشف از حکم شرعی نیست؛ بلکه به جهت اثبات حکم شرعی نیاز به ادله دیگری است. بله، ممکن است سیره و سلوک خارجی متشرعه، کاشف اینی از حکم شرعی باشد که عدم تحقق آن، مفروض است.

ب) در صورت عدم ردع شارع از ارتکاز متشرعه، امضاء و تایید شارع نسبت به ارتکاز اثبات می‌شود؛ که در این صورت به وضوح، اعتبار خبر ثقه در فرض مذکور، در موضوعات اثبات می‌شود. به نظر می‌رسد این مبنا نیز، صحیح نیست؛ چراکه نگارنده ردع از ارتکاز متشرعه را وظیفه امام علیه السلام نمی‌داند؛ به همین جهت در صورت مخالفت نظر ایشان با ارتکاز متشرعه، لزومی بر ردع امام علیه السلام نیست. لذا اگر لزوم ردع صحیح نباشد؛

کاشف از امضای امام علیه السلام نیست. بله، در صورت سلوک خارجی و سیره عملی متشرعه، بعید نیست که ادله امر به معروف و نهی منکر یا ارشاد جاهل، دلیلی محکم برای اثبات وظیفه امام علیه السلام در مقام ردع سیره باشد.^۱ لکن فرض مساله در صورت عدم تحقق سلوک خارجی می‌باشد.

در نتیجه، مطابق با هر دو مینا نمی‌توان به صرف وجود ارتکاز متشرعه، اعتبار خبر واحد در موضوعات را اثبات کرد.

نمره دوم: تفصیل بین سیره عقلا و سیره متشرعه در عمل به روایات راویان شیعه و غیر شیعه

استاد شهیدی در مورد تفصیل بین روایات راویان شیعه و غیر شیعه، باتوجه به سیره متشرعه و سیره عقلا دو ادعای اصلی مطرح می‌کنند که در ابتدا هر کدام از این موارد بیان می‌شود و ذیل هر کدام به تبیین و بررسی پرداخته می‌شود:

- ادعای اول: تفصیل در سیره متشرعه بین روایات راویان شیعه و غیر شیعه، برخلاف سیره عقلا: ایشان در مورد ادعای اول می‌نویسند: «قدر متیقن از سیره متشرعه در اعتبار خبر واحد، عمل به روایات منقول توسط راویان شیعه است (یعنی عمل به روایات عدول)؛ برخلاف سیره عقلا که در عمل به خبر ثقه تفاوتی بین اخبار و روایات راویان شیعه و غیر شیعه نیست؛ چراکه نکته عمل عقلا به اخبار و روایات، کشف از صدور روایت است و در این نکته شیعه بودن یا نبودن، دخالتی ندارد.» (شهیدی‌پور، ۱۳۸۵، ج ۶، ص ۳۶۷)

از جمله شواهد تشکیک در اطلاق سیره متشرعه نسبت به عمل به اخبار راویان غیر شیعه می‌توان به اقوال فقهاء و مجتهدینی اشاره کرد که صرفاً قائل به اعتبار خبر راوی ثقه شیعی شده‌اند. از جمله این قائلین می‌توان به شهید ثانی، مقدس اردبیلی، صاحب مدارک و صاحب معالم (ابن شهید الثانی، ۱۳۵۰، ص ۲۰۰) را اشاره کرد.

۱. اگرچه که اطلاق این ادله نیز، نیاز به بحث و بررسی تفصیلی دارد؛ و نوشته حاضر نمی‌تواند به تفصیل در مورد ادله این بحث بررسی انجام دهد؛ بله، ممکن است صرفاً وظیفه امام علیه السلام بر ردع، در فرض سوال از امام علیه السلام باشد.

ادعای اجماع در کلمات شیخ طوسی در عدة الاصول نسبت به عمل به خبر واحد (شیخ طوسی، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۱۳۳) مانع از استظهار تفصیل در کلمات ایشان نیست؛ چراکه ادعای اجماع در اصل عمل اصحاب به خبر واحد غیر علمی است و ارتباطی با شروط عمل به خبر واحد ندارد. شواهدی در این باره از عبارات ایشان در کتاب عدة الاصول مطرح می‌شود که عبارتند از:

۱. تصریح به وجود شروطی برای عمل به خبر واحد در کلمات شیخ طوسی که دلالت دارد بر اینکه ادعای اجماع بر خبر واحد، صرفاً در مقام بیان اصل عمل به خبر غیر علمی است؛ و ناظر به عمل به روایات غیر شیعه نیست. به عبارت ایشان توجه شود: «إنالانقول أن جميع أخبار الأحاد يجوز العمل بها، بل لها شرائط نحن نذكرها فيما بعد، ونشير هاهنا إلى جملة من القول فيه» (همان، ص ۱۳۵). ایشان در این عبارت تصریح کرده‌اند که عمل به خبر واحد شروطی دارد. لذا نمی‌توان به ادعای اجماع به خبر واحد به صورت مطلق، اعتماد کرد.

۲. تصریح به اعتبار اخبار غیر شیعی در روایات غیر منفرد: شیخ طوسی معتقد است که در صورتی به روایات غیر شیعه عمل می‌شود که روایاتی از شیعه موافق با آن باشد. به همین جهت اگر روایت غیر شیعه، منفرد باشد، اعتبار ندارد. عبارت ایشان بدین شرح است: «أن جميع ما يرويه هؤلاء إذا اقتصوا بروايتهم لا يعمل به، وإنما يعمل به إذا اضاف إلى روايتهم رواية من هو على الطريقة المستقيمة والاعتقاد الصحيح، فحينئذ يجوز العمل به. فأما إذا انفرد فلا يجوز ذلك فيه على حال.» (همان، ص ۱۳۶)

ادعای دوم: تمسک به صحیحه حمیری و اثبات اعتبار خبر ثقه (اعم از این که راویان شیعه باشند یا خیر): ایشان در ادامه بحث از ثمره دوم، در مورد تمسک به سیره متشرعه در موضوعات و احکام اینچنین می‌نویسند: «با توجه به اینکه صحیحه حمیری، از مصادیق قدر میتقن عمل متشرعه به خبر ثقه است؛ می‌توان به جهت اثبات اعتبار خبر ثقه در موضوعات به اطلاق آن، تمسک کرد» (شهیدی پور، ۱۳۸۵، ج ۶، ص ۳۶۷)

اثبات ادعای دوم، نیاز به تبیین و بررسی صغرای سیره متشرعه دارد؛ نگارنده با توجه به کلمات دیگر استاد شهیدی به تقریب آن می‌پردازد و بعد از آن، مطالب ایشان را نقد و بررسی خواهد کرد. تبیین صغری، ذیل چند مقدمه مورد بررسی قرار می‌گیرد:

متن روایت: مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى جَمِيعًا عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ الْحَمِيرِيِّ قَالَ: اجْتَمَعْتُ أَنَا وَالشَّيْخُ أَبُو عَمْرٍو رَحِمَهُ اللَّهُ عِنْدَ أَحْمَدَ بْنِ إِسْحَاقَ... قَدْ أَخْبَرَنِي أَبُو عَلِيٍّ أَحْمَدُ بْنُ إِسْحَاقَ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ قَالَ سَأَلْتُهُ وَقُلْتُ مَنْ أَعْمَلُ أَوْ عَمَّنْ آخِذُ وَقَوْلَ مَنْ أَقْبَلُ فَقَالَ لَهُ- الْعَمْرِيُّ ثِقَتِي فَمَا أَدَى إِلَيْكَ عَنِّي فَعَنِّي يُؤَدِّي وَمَا قَالَ لَكَ عَنِّي فَعَنِّي يَقُولُ فَاسْمَعْ لَهُ وَأَطِعْ فَإِنَّهُ الثَّقَةُ الْمَأْمُونُ وَأَخْبَرَنِي أَبُو عَلِيٍّ أَنَّهُ سَأَلَ أَبَا مُحَمَّدٍ عَنْ مِثْلِ ذَلِكَ فَقَالَ لَهُ- الْعَمْرِيُّ وَابْنُهُ ثِقَتَانِ فَمَا أَدْيَا إِلَيْكَ عَنِّي فَعَنِّي يُؤَدِّيَانِ وَمَا قَالَا لَكَ فَعَنِّي يَقُولَانِ فَاسْمَعْ لَهُمَا وَأَطِعْهُمَا فَإِنَّهُمَا الثَّقَتَانِ الْمَأْمُونَانِ فَهَذَا قَوْلُ إِمَامَيْنِ قَدْ مَضِيَ فِيكَ قَالَ فَخَرَّ أَبُو عَمْرٍو سَاجِدًا وَبَكَى ثُمَّ قَالَ سَلْ حَاجَتَكَ فَقُلْتُ لَهُ أَنْتَ رَأَيْتَ الْخَلْفَ مِنْ بَعْدِ أَبِي مُحَمَّدٍ فَقَالَ إِي وَاللَّهِ وَرَقَبَتُهُ مِثْلُ ذَا وَأَوْمًا بِيَدِهِ... (كليني، ١٤٠٧، ج ١، ص ٣٢٩)

مقدمه اول: سند صحیح حمیری مشتمل بر اجلاء روایات امامیه است؛ به همین جهت قدر متیقن از عمل سیره متشرعه می‌باشد. نجاشی هر سه راوی در این روایت را به عبارتی عالی توصیف کرده است که به شرح ذیل است:

- محمد بن عبد الله حمیری: «كان ثقة، وجها، كاتب صاحب الأمر (عج)، و سأله مسائل في أبواب الشريعة...» (نجاشی، ١٣٦٥، ص ٣٥٤)

- محمد بن يحيى: «شيخ أصحابنا في زمانه، ثقة، عين، كثير الحديث...» (همان، ص ٣٥٣)

- عبدالله بن جعفر حمیری: «شيخ القميين و وجههم، قدم الكوفة سنة نيف و تسعين و

مائتين، و سمع أهلها منه، فأكثروا...» (همان، ص ٢١٩)

مقدمه دوم: در صورتی که دلالت صحیح حمیری بر اعتبار مطلق خبر ثقه، معتبر باشد، می‌توان در محل نزاع به آن تمسک کرد؛ لکن اشکالاتی از سوی برخی از اعلام به دلالت روایت مطرح شده است که جهت اثبات مدعا، باید مورد بحث و بررسی قرار بگیرد:

اشکال اول: صحیح‌ه حمیری در مورد نصب نایب و وکیل

برخی از اصولیین همانند محقق سیستانی (سیستانی، ۱۴۳۰، ج ۱، ص ۲۴۵) و محقق شاهرودی (صدر، ۱۴۱۷، ج ۴، ص ۳۹۴) معتقد هستند که روایت، مرتبط به نصب نایب می‌باشد و ارتباطی با اعتبار خبر ثقه ندارد؛ در این صورت، روایت مذکور، نمی‌تواند مستند برای اعتبار روایت غیر شیعی شود. در مجموع قرائن ذکر شده توسط این دو محقق را ذیل دو عنوان مطرح خواهد شد که عبارت هستند از:

تبیین محقق سیستانی

عثمان بن سعید و محمد بن عثمان هر دو منصوب به وکالت از سوی امام علیه السلام بوده‌اند لذا اطاعت از ایشان و سماع قول ایشان بعد از انتصاب بر همگان لازم است و این امر هیچ‌گونه ملازمه‌ای با قبول قول مطلق ثقه ندارد، شاهد بر این ادعا تعبیر امام علیه السلام به «ثقتی» است که ثقه به امام علیه السلام نسبت داده شده است که دلالت بر جایگاه و منصب خاص نزد امام علیه السلام دارد؛ مشابه این تعبیر در برخی از روایات در رجال کشی با عبارت «جعلته ثقتی» در مقام جعل منصب وکالت توسط امام علیه السلام ذکر شده است. (سیستانی، ۱۴۳۰، ج ۱، ص ۲۴۵)

اشکال استاد شهیدی

استاد شهیدی در پاسخ به این قرینه این چنین می‌نویسند: «اگر در روایت صرفاً تعبیر «ثقتی» ذکر شده بود، احتمال این بود که روایت در محل نزاع نیز مرتبط با انتصاب وکالت باشد؛ لکن ظاهر تعلق امر به قبول در روایت و تعلیل ذیل روایت که «الثقتان المامونان»، قبول روایت مطلق ثقه از امام علیه السلام دارد و اختصاصی به دو نفر یا منصب خاص ندارد؛ علاوه بر اینکه ذیل روایت امام علیه السلام که می‌فرماید: «العمری و ابنه ثقتان» شاهد دیگری بر مدعا است چراکه ثقه بودن را به خود نسبت نمی‌دهند.» (شهیدی پور، ۱۳۸۵، ج ۶، ص ۳۴۱)

تبیین محقق شاهرودی

مراد از واژه «ثقة» در برخی از استعمالات مرتبه‌ای از مقامات از جمله وکالت و نیابت است؛ نه اینکه صرفاً دلالت بر وثاقت به معنای اصولی یعنی وثاقت خبری داشته باشد؛ شواهدی بر این ادعا از متن روایت می‌توان ذکر کرد که عبارت هستند از:

۱. سیاق مبالغه و اهتمام در فقرات محل استشهاد عبارت «العمری ثقتی فما ادی الیک عنی فعنی یودی و ما لک عنی فعنی یقول فاسمع له و اطع فانه الثقة المامون» و عبارت مشابه ذیل، دلالت بر این دارد که مقامی شامخ و والا برای این دو راوی است نه اینکه صرفاً وثاقتی خبری باشد مخصوصاً اینکه حمیری اهتمام به بیان مقدمه دارد تا اینکه پاسخی از عمری بشنود و بعد از بیان مقدمه او، عمری از باب شکر و شوق در حال گریه کردن به سجده می‌رود.

۲. با توجه به این که در این زمان، فقها مطلع به اصول، در اصحاب ائمه علیهم‌السلام همانند احمد بن اسحاق وجود دارند، بعید است که امام علیه‌السلام قول فردی روغن فروش همانند عمری را حجت شرعی اعلام کنند؛ به همین جهت مراد امام علیه‌السلام اطاعت در اوامر شخصیه و وظائف سیاسی، اجتماعی است که در آن زمان امکان بیان مباحثی برای ایشان وجود نداشته است و نیاز به افرادی خاص با ویژگی‌های خاص می‌باشد برخلاف حجیت روایت که به‌وفور، افراد تفه در جامعه مسلمین یافت می‌شوند. (شهید صدر، ۱۴۱۷، ج ۴، ص ۳۹۴)

اشکالات استاد شهیدی

استاد شهیدی، قرائن مذکور در کلام محقق شاهرودی را صحیح نمی‌داند چراکه اولاً فقاهت احمد بن اسحاق و شناخت او نسبت به روایات اهل بیت علیهم‌السلام سابقین منافاتی با نیاز وی به روایات امامین عسکریین علیهم‌السلام ندارد؛ بلکه او نیاز به استماع نظرات امامین حاضر را دارد. لذا با توجه به اینکه عمری از جهاتی همانند محل سکونت نسبت به احمد بن اسحاق به امام علیه‌السلام نزدیک‌تر است، اعتبار قول او برای احمد بن اسحاق امری عرفی و عقلانی می‌باشد. ثانیاً توثیق امام علیه‌السلام نسبت به شخص، مخصوصاً با عبارت «ثقتی» و «ما ادی عنی فعنی یودی» با توثیق توسط یک انسان عادی متفاوت است؛ چه بسا همین امر سبب شوق و گریه عمری و سجده او شده است. (شهیدی پور، ۱۳۸۵، ج ۶، ص ۳۴۲)

نقد نگارنده به کلمات استاد شهیدی

به نظر می‌رسد اولاً احتمال جعل نیابت و وکالت در کلام امام علیه‌السلام، کاملاً عرفی می‌باشد و قرینه‌ای برای دفع آن نیست؛ علاوه بر اینکه تعلیل امام علیه‌السلام و تفریع آن بر صدر،

هیچ‌گونه منافاتی با این ادعا ندارد. ثانیاً با توجه به مشکک بودن معنای ثقه و ضمیمه آن به مامون بودن، مانع از تمسک به اطلاق روایت مذکور، به جهت اثبات حجیت مطلق خبر ثقه است.^۱

اشکال دوم: عدم شمولیت واژه «ثقه» در روایات، نسبت به غیر شیعه

آیت‌الله شبیری زنجانی معتقد است که مراد از ثقه در روایات راوی امامی عدل است؛ به همین جهت تمسک به روایات برای اثبات حجیت خبر ثقه غیر امامی، نزد ایشان صحیح نیست. (شبیری زنجانی، ۱۴۳۵، ج ۱، ص ۱۵۹)

پاسخ استاد شهیدی

ایشان در این رابطه می‌نویسد: «ظاهر عرفی از واژه «ثقه» در روایات، متحرز از کذب است و قرینه‌ای که دلالت بر مطلوب آیت‌الله زنجانی کند، وجود ندارد.^۲» (شهیدی‌پور، ۱۳۸۵، ج ۶، ص ۳۶۸) در تبیین کلام استاد شهیدی و منشا ظهور در کلام ایشان می‌توان این‌چنین استدلال کرد که ثقه، معنایی ذو اضافه است و اطلاق در ثقه عرفی نیست لذا به قرینه مناسبت حکم و موضوع اگر در روایات استعمال شود به معنای متحرز از کذب است.

ثمره سوم: تفصیل بین سیره متشرعه و سیره عقلا در تخصیص کتاب

استاد شهیدی در این رابطه می‌نویسد: «اگر مستند حجیت خبر ثقه سیره متشرعه باشد و این حجیت واسطه برای اثبات حجیت صحیحه حمیری و در طول آن، اعتبار مطلق خبر ثقه باشد، (کما هو المختار) تخصیص کتاب توسط خبر ثقه مانعی ندارد. اما در غیر این صورت، سیره متشرعه نسبت به تخصیص کتاب توسط خبر ثقه محرز نیست؛ برخلاف تمسک به سیره عقلا در حجیت خبر ثقه که در این صورت تفاوتی بین کتاب و غیر آن نیست. شواهدی از کلمات اعلام می‌توان به جهت شک در اطلاق سیره متشرعه

۱. به نظر می‌رسد اشکالات دیگر در مورد اطلاق این روایت نسبت به حجیت خبر ثقه مطرح است که به جهت عدم ارتباط به محل نزاع در اینجا ذکر نخواهد شد.

۲. مباحثی ذیل عنوان در مورد واژه «ثقه» در کتب رجالین می‌توان مطرح کرد و استاد شهیدی به نقد آن‌ها پرداخته‌اند و لکن از محل نزاع خارج است.

نسبت به تخصیص کتاب مطرح کرد که عبارتند از: سید مرتضی (سید مرتضی، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۲۸۰)، شیخ طوسی (شیخ طوسی، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۲۴۳)،^۱ محقق حلی (محقق حلی، ۱۴۲۳، ص ۱۴۱) و ... قائل به عدم تخصیص کتاب توسط خبر واحد شده‌اند؛ که در این صورت احراز سیره متشرعه محل تامل است.» (شهیدی پور، ۱۳۸۵، ج ۶، ص ۳۶۹).
به نظر می‌رسد نظر استاد شهیدی صحیح است؛ چراکه اساساً بعد از تشکیک در اجماع نسبت به عمل به خبر واحد، و اختلاف در تخصیص کتاب به خبر واحد در بین اعلام (اعم از قدماء و معاصرین)، احراز سیره متشرعه مشکل خواهد بود.

ثمره چهارم: تفصیل بین سیره متشرعه و سیره عقلا در امور مهمه و غیر آن

استاد شهیدی در مورد عمل به خبر واحد ثقه در امور مهمه این چنین می‌نویسد: «احراز صغرای سیره عقلا و سیره متشرعه در عمل به خبر ثقه در امور مهمه، محرز نیست؛ بله، در صورتی که استدلال به صحیح‌ه حمیری در اثبات حجیت خبر ثقه مورد قبول باشد، امکان اثبات خبر ثقه در امور مهمه به واسطه سیره عقلا و سیره متشرعه می‌باشد.» (همان، ص ۳۷۰).
می‌توان از جمله افرادی که در عمل به خبر واحد ثقه در امور مهمه، تشکیک کرده‌اند، به محقق حلی (محقق حلی، ۱۴۱۲، ج ۳، ص ۳۲۴) و محقق خوانساری (خوانساری، ۱۳۵۵، ج ۷، ص ۳۵) اشاره کرد.

ایشان در ادامه در راستای قبول واسطه بودن سیره متشرعه نسبت به اثبات حجیت خبر واحد در امور مهمه، قطعی‌الصدور بودن صحیح‌ه حمیری را دخیل می‌دانند و در غیر این صورت اعتبار آن را مشکل می‌دانند؛ چراکه سیره نسبت به حجیت خبر عدلی که نتیجه آن حجیت خبر ثقه یا عدل در امور مهمه باشد، محرز نیست؛ در صورتی که قطعی بودن سند صحیح‌ه حمیری احراز نشود، تفصیل بین سیره عقلا و متشرعه در امور مهمه اثبات می‌شود. به عبارت ایشان در مورد دخالت قطعیت سند در اثبات مدعا توجه شود: «نعم لو فرض عدم قطعیت سند الصحیحة فاثبات حجیة خبر الثقة فی الامور المهمة بها بدعوی

۱. بله در صورتی که به مفاد خبر واحد طائفه عمل کرده باشند، ایشان تخصیص کتاب را مانع نمی‌دانند.

اعتبار سندها بسیره المشرعة لا يخلو عن اشكال فان حجية خبر الثقة او العدل في الامور المهمة مما لم يحرز قيام السيره عليها» (شهیدی پور، ۱۳۸۵، ج ۶، ص ۳۷۱)

نقدی بر ثمره چهارم در کلمات استاد شهیدی

به نظر می‌رسد نظر استاد شهیدی در این باره صحیح نیست؛ چراکه اولاً همان‌طور که در حجیت خبر واحد توسط سیره عقلاً و ثوق شرط است، در حجیت خبر واحد توسط سیره مشرعه هم وثوق شرط است و وثوق به صدور صحیحه حمیری می‌باشد لذا تفصیل ایشان و اشتراط قطعیت سند صرفاً نسبت به سیره مشرعه صحیح نیست. ثانیاً همان‌طور که گذشت دلالت صحیحه حمیری نسبت به حجیت مطلق خبر ثقه ثابت نیست.

نتیجه‌گیری

در کلمات استاد شهیدی در کتاب «ابحاث اصولیه» چهار ثمره برای مدرکیت سیره عقلاً نسبت به سیره مشرعه در اعتبار خبر ثقه ذکر شده است که عبارت هستند از: تفصیل در حجیت خبر ثقه در موضوعات و احکام؛ تفصیل در حجیت خبر ثقه شیعه و غیر شیعه؛ تفصیل در جواز و عدم جواز تخصیص عام کتابی به خبر ثقه و تفصیل بین اعتبار خبر ثقه در امور مهمه و غیر آن. به نظر می‌رسد تفصیل در حجیت خبر ثقه در موضوعات و احکام و تفصیل در جواز یا عدم جواز تخصیص عام کتابی به خبر ثقه صحیح است اما نظرات ایشان ذیل دو ثمره دیگر صحیح نیست، اگرچه که تفصیل بین خبر ثقه شیعه و غیر شیعه صحیح است و تفصیل بین امور مهمه و غیر آن نادرست می‌باشد.

منابع

۱. ابن الشہید الثانی، حسن بن زین الدین (۱۳۵۰ش). معالم الدین و ملاذ المجتہدین. چاپ نہم، قم: موسسة النشر الاسلامی.
۲. تبریزی، جواد (۱۴۳۱ق). تنقیح مبانی العروة (الصلاة). چاپ اول، قم: دار الصدیقة الشہیدة سلام الله علیہا.
۳. خوئی، سید ابوالقاسم (۱۳۷۰ش). موسوعة الامام الخوئی، چاپ اول، قم: موسسة احیاء آثار الامام الخوئی.
۴. زنجانی، سید موسی (۱۴۳۵ق). مباحث خارج اصول. چاپ اول، قم: انتشارات موسسه امام باقر علیه السلام.
۵. سیستانی، سید علی (۱۴۳۰). تعارض الأدلة و اختلاف الحدیث. بی جا، بی نا.
۶. شہید ثانی، زین الدین بن علی (۱۴۰۳ق). مسالك الافہام الی تنقیح شرائع الاسلام. چاپ سوم، قم: موسسة المعارف الاسلامی.
۷. شہیدی پور، محمد تقی (۱۳۸۵ش). ابیحات اصولیہ. بی جا، بی نا.
۸. صدر، محمد باقر (۱۴۱۷ق). بحوث فی علم الاصول. چاپ سوم، قم: موسسة دائرة المعارف الفقه الاسلامی.
۹. صدر، محمد باقر (۱۴۳۴ق). موسوعة الشہید سید محمد باقر الصدر. چاپ اول، قم: پژوهشگاہ علمی تخصصی شہید صدر، دار الصدر.
۱۰. طوسی، محمد بن الحسن (۱۳۶۵ش). العدة فی اصول الفقه. چاپ ششم، قم: موسسة النشر الاسلامی.
۱۱. علم الہدی، سید مرتضی (۱۳۷۶ش). الذریعة الی اصول الشریعة. چاپ اول، تہران: انتشارات دانشگاہ تہران.
۱۲. کشی، محمد بن عمر (۱۳۶۳ش). اختیار معرفة الرجال. چاپ اول، قم: موسسة آل البيت علیہم السلام.

۱۳. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). الکافی. چاپ چهارم، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۱۴. محقق حلی، جعفر بن حسن (۱۴۱۲ق). النهایة و نکتها. چاپ اول، قم: موسسه النشر الاسلامی.
۱۵. محقق حلی، جعفر بن حسن (۱۴۲۳ق). معارج الاصول. چاپ اول، لندن: موسسه الامام علی ثالثاً.
۱۶. موسوی خوانساری، احمد (۱۳۵۵ش). جامع المدارک فی شرح المختصر النافع. چاپ اول، تهران: مکتبه الصدوق.
۱۷. نجاشی، احمد بن علی (۱۳۶۵ش). رجال النجاشی. چاپ ششم، قم: موسسه النشر الاسلامی.